

سال هشتم، شماره ۳۲، زمستان ۱۳۹۹، صفحات ۱۶۰-۱۳۳

نقش تعدیل کننده درآمدهای نفتی بر رابطه درآمدهای مالیاتی و رشد اقتصادی

فاطمه صمدی

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

v_varahrami@sbu.ac.ir

در قالب تئوری های اقتصاد متعارف، مالیات اصلی ترین منبع درآمد دولت ها است. مالیات ها از ابزارهای سیاست های مالی دولت هستند که از مهم ترین ارکان هر نظام مالی تلقی می شوند. در کشورهای صادرکننده نفت، فروش نفت عمده ترین منبع درآمدی دولت به حساب می آید. به دلایل مختلف از جمله، نوسان های قیمتی نفت و از دست رفتن یک ذخیره ملی با ارزش، این روش قابل تأیید نیست و این مسئله که باید سیستم مالیاتی این کشورها اصلاح گردد تا جایگزین مناسبی برای تأمین مخارج دولت باشد، اجتناب ناپذیر به نظر می رسد. هدف اصلی تحقیق حاضر بررسی تأثیر انواع درآمدهای مالیاتی بر رشد اقتصادی در حالت حضور و عدم حضور درآمدهای نفتی است. مطالعه حاضر بر اساس روش تحقیق کاربردی است. جهت برآورد مدل از داده های بازه زمانی ۱۳۸۸-۱۳۹۹ استفاده شده است. روش برآورد در تحقیق حاضر روش حداقل مربعات جزئی است. تخمین مدل در فضای نرم افزار Smart PLS صورت گرفته است. نتایج تحقیق بیانگر این واقعیت است که در صورت عدم حضور متغیر درآمدهای نفتی در مدل، متغیر درآمد مالیات ناشی از ارزش افزوده بیش از سایر مالیات ها بر رشد اقتصادی مؤثر است و با ورود متغیر درآمدهای نفتی به مدل اثرات تمامی انواع مالیات بر رشد اقتصادی کاهش یافته و این کاهش در مالیات بر ارزش افزوده محسوس تر از سایر مالیات ها است.

طبقه بندی JEL: E5، Q43، Q41، E10

واژگان کلیدی: نفرین منابع، بیماری هلندی، درآمد مالیاتی، رشد اقتصادی، حداقل مربعات جزئی

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۰۷

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۱۰

۱. مقدمه

پدیده نفرین منابع در اصطلاح به اثر مخربی که از محل افزایش قیمت نفت و سایر منابع طبیعی بر حیات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جوامع صادرکننده اعمال می‌شود، اطلاق می‌گردد. این پدیده عمدتاً در کشورهای صادرکننده منابع طبیعی مشاهده می‌شود.

یکی از مباحث عمده فرضیه نفرین منابع طبیعی این است که درآمد حاصل از منابع، درآمدهای مالیاتی را به عنوان بنیاد مالی دولت تضعیف می‌کند (راس، ۲۰۰۱، ۲۰۰۴). به عبارت دیگر، درآمد ناشی از منابع طبیعی بر انگیزه کشورها در تجهیز دیگر منابع داخلی درآمد تأثیر منفی دارد (مور، ۲۰۰۷).

از جمله مشکلاتی که اغلب کشورهای صادرکننده نفت با آن روبه‌رو هستند، این است که کشورهای صادرکننده نفت اغلب بر پایه‌ی اصول یک اقتصاد تک‌محصولی بنا شده‌اند، چراکه:

- در این کشورها درآمد ناشی از نفت سهم بالایی از تولید ناخالص داخلی و بودجه‌های سالانه را به خود اختصاص داده است و وابستگی بودجه این دولت‌ها به درآمدهای نفتی بسیار بالا است.

- بی‌ثباتی ذاتی قیمت این منابع و درآمدهای ناشی از آن. درآمدهای نفتی دارای نوسان زیادی هستند و در غیاب یک پایه گسترده مالیاتی، این نوسانات به بودجه سرایت می‌کند.

- در بعضی از کشورهای دارای منابع طبیعی، درآمد منابع در آینده‌ای نه‌چندان دور تمام خواهند شد و یک پایه مالیاتی وسیع می‌تواند جریان درآمدی را برای حمایت از برنامه‌های بخش عمومی زمانی که منابع طبیعی تمام می‌شوند، تداوم بخشد.

یکی از متداول‌ترین و قابل‌اتکاترین راه‌های تأمین مخارج دولت در هر نظام اقتصادی، جمع‌آوری مالیات است. درآمدهای مالیاتی به دلیل قابل کنترل بودن، در مقایسه با درآمد منابع از اصلی‌ترین منابع درآمدی دولت‌ها به حساب می‌آید. از این رو نقش درآمدهای مالیاتی در بسیاری از کشورها در مقایسه با سایر منابع درآمدی، بیش‌تر است. در این میان در کشورهای توسعه‌یافته، درآمدهای مالیاتی یکی از مهم‌ترین ابزارها در جهت تأمین مالی مخارج دولت است؛ اما در

کشورهای صادرکننده نفت، به دلیل کارا نبودن سیستم مالیاتی نسبت درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص داخلی پایین است. با توجه به اینکه درآمدهای حاصل از فروش منابع از اجزای اصلی درآمدهای بودجه دولت‌های دارای این منابع به حساب می‌آید، انتظار بر آن است که با افزایش درآمدهای ناشی از فروش منابع، انگیزه دولت‌ها برای کسب درآمدهای مالیاتی نیز کاهش یابد.

ایران نیز مقادیر قابل توجهی منابع طبیعی داشته و درآمدهای ناشی از این منابع سهم نسبتاً بالایی از درآمدهای دولت را به خود اختصاص داده است. به گونه‌ای که متوسط سهم درآمدهای نفتی از کل درآمدهای دولت ۵۵٪ و سهم درآمدهای مالیاتی از کل درآمدهای دولت ۳۱٪ در بین سال‌های ۱۳۵۲-۱۳۹۲ بوده است. این سهم نمایانگر این مسئله است که ساختار اقتصاد ایران، ساختاری نفتی است و عمده‌ی بودجه‌ی دولت از این منبع درآمد تأمین می‌شود.

با توجه به مشکلاتی که کشورهای صادرکننده نفت با آن روبه‌رو هستند، توجه هر چه بیشتر دولت‌ها به درآمدهای مالیاتی، کاهش اتکا به درآمدهای نفتی، جایگزینی و افزایش سهم درآمدهای مالیاتی در سیستم درآمدی دولت، می‌تواند وابستگی بیش از حد اقتصاد به درآمدهای نفتی را کاهش دهد؛ همچنین، هرچه سهم مالیات در تأمین مخارج دولت بیشتر باشد آثار مطلوب اقتصادی بیشتری را در پی خواهد داشت. مسئله اصلی تحقیق حاضر بررسی نحوه تأثیرگذاری انواع درآمدهای مالیاتی بر رشد اقتصادی در حالت حضور و عدم حضور درآمدهای نفتی است. به عبارتی مسئله اصلی تحقیق بررسی این امر است که آیا در نظر گرفتن درآمدهای نفتی موجب بدتر شدن و یا بهتر شدن نقش درآمدهای مالیاتی در بهبود یا بدتر شدن رشد اقتصادی در کشور می‌گردد. سازمان‌دهی مقاله به صورت زیر است: پس از مقدمه، در بخش دوم و سوم به ترتیب، ادبیات نظری و پیشینه تحقیق ارائه شده است. بخش چهارم مدل تحقیق مورد بررسی قرار گرفته است و به تخمین مدل با استفاده از روش حداقل مربعات جزئی پرداخته شده است. در این بخش دو مدل جداگانه در راستای نحوه اثرگذاری درآمدهای مالیاتی مختلف بر رشد اقتصادی در حالت حضور و عدم حضور درآمدهای نفتی برآورد شده است. نتیجه‌گیری و توصیه‌های سیاستی آخرین بخش مقاله را تشکیل می‌دهد.

۲. مبانی نظری و تجربی

یکی از مهم‌ترین موضوعات بحث‌برانگیز در اقتصاد، رابطه مالیات با رشد اقتصادی و اینکه چگونه مالیات رشد اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. اغلب مطالعاتی که در این زمینه انجام شده است حاکی از آن دارد که اثر مالیات بر رشد اقتصادی منفی است. تئوری‌های اقتصادی چگونگی این رابطه منفی بین مالیات و رشد اقتصادی را بیان می‌کند. بر اساس تئوری اقتصادی، مالیات‌ها، هزینه فعالیت‌هایی که مشمول مالیات می‌شوند را افزایش و بازده و سود آن‌ها را کاهش می‌دهند. به همین منظور افراد و بنگاه‌های کوچک به فعالیت‌هایی رو می‌آورند که بتوانند بار مالیاتی را حداقل کنند. یعنی آن‌ها فعالیت‌هایی که مشمول نرخ پایین‌تری از مالیات می‌شوند را جانشین فعالیت‌هایی که نرخ بالای مالیاتی دارند، می‌کنند. به همین منظور افراد و بنگاه‌ها به فعالیت تولیدی کمتری رو آورده و منجر به نرخ‌های پایین‌تری از رشد اقتصادی می‌شوند.

امروزه اقتصاددانان مطالعه‌های تجربی و نظری بسیاری درباره تأثیر مالیات‌ها بر رشد اقتصادی کشورهای مختلف انجام داده‌اند. بر اساس الگوی رشد نوکلاسیک‌ها (الگوهای رشد برون‌زا)، هرچند سیاست‌های دولت و من جمله مالیات‌ها می‌تواند بر نرخ رشد اقتصادی تأثیر داشته باشد، ولی این تأثیر کوتاه‌مدت است و در بلندمدت استمرار نخواهد داشت. در چارچوب الگویی که توسط نظریه پردازان رشد اقتصادی ارائه شده و به الگوهای رشد درون‌زا موسوم است، تغییرهای دائمی در متغیرهایی مانند مالیات‌ها که به صورت بالقوه تحت تأثیر سیاست‌های دولت قرار دارند، می‌تواند تغییرهای دائمی در نرخ رشد اقتصادی ایجاد نماید. گذشته از این موارد ادبیات گسترده‌ای وجود دارد که حاکی از تأثیر منفی بسیاری از برنامه‌های عمومی دولت بر پس‌انداز و انباشت سرمایه است که از سیستم مالیاتی سرچشمه می‌گیرد.

تأثیر مالیات‌ها بر رشد اقتصادی و جهت‌علیت آن را نمی‌توان از قبل به‌صراحت مشخص کرد، زیرا بستگی دارد که سایر عوامل مانند سرمایه انسانی که در کنار سرمایه فیزیکی به کار گرفته می‌شود، چگونه شامل مالیات شوند. شواهد تجربی نیز در مورد اثر سیاست مالیاتی بر رشد

اقتصادی، گرچه اغلب حاکی از وجود رابطه منفی بین مالیات بر درآمد و رشد اقتصادی است، متفاوت بوده است.

مالیات بر درآمد شخصی و مالیات بر شرکت‌ها، جدا از مقدار و انواع آن، انگیزه تولید را کاهش و رشد بالقوه تولید ناخالص داخلی را به شدت کند می‌کند. آثار مالیات بر عرضه کار و پس‌انداز (رشد اقتصادی) حتی در اقتصادهای ساده نیز بسیار پیچیده است. به طور کلی، پس از وضع مالیات دو اثر درآمدی و جانشینی ایجاد می‌شود. اثر درآمدی از طریق بالا بردن مطلوبیت نهایی درآمد بر اثر کاهش درآمد حقیقی مالیات‌دهنده، عرضه کار را افزایش می‌دهد و اثر جانشینی تغییرات ارزش نهایی تفریح و استراحت را نسبت به مزد کار می‌سنجد. این دو اثر همواره در جهت مخالف یکدیگر عمل می‌کنند. همان گونه که گفته شد، وضع هر گونه مالیات، درآمد قابل خرج حقیقی مالیات‌دهنده را کاهش خواهد داد و کاهش درآمد حقیقی، پس‌انداز را به میزانی بیشتر از مصرف کاهش می‌دهد. این مسئله حتی در حالتی که عرضه کار نیز افزایش یابد، صادق است؛ اما کاهش پس‌انداز، هنگامی که عرضه کار در بخش پولی، کاهش یافته، تشدید خواهد شد. حتی در اقتصادهای توسعه یافته نیز مالیات باعث کاهش پس‌انداز بخش خصوصی می‌شود و این امر می‌تواند باعث تأثیر منفی بر رشد اقتصادی شود.

به طور کلی ساختار مالیات‌ها می‌تواند اثرات مهمی بر رشد داشته باشد. به عنوان مثال، در یک سطح معین مالیات، انتقال از مالیات بر درآمد به مالیات بر مصرف انگیزه پس‌انداز را افزایش داده و انباشت سرمایه را تشویق می‌کند. تأثیر ساختار نظام مالیاتی بر انباشت منابع، ساختار نظام مالیاتی می‌تواند اثرهای دیگری هم بر رشد اقتصادی داشته باشد و برای مثال، تأکید بیش از حد بر مالیات‌های گمرکی می‌تواند تهدیدی برای امکان جذب فناوری‌های جدید باشد، زیرا صنایع داخلی را از مواجهه با بازارهای جهانی و رقابت بازمی‌دارد. بنابراین تأثیر مالیات بر رشد منفی خواهد بود. از دیگر سو، هرگاه اعمال سیاست‌های مالی دولت منجر به بروز نا اطمینانی در ساختار مالیاتی و یا مخارج دولتی شود، بازدهی نهایی سرمایه‌گذاری‌های بخش خصوصی با نوسان مواجه شده و در نتیجه با افزایش نا اطمینانی بخش خصوصی نسبت به بازدهی آتی سرمایه‌گذاری‌ها و در

نتیجه نوسان پذیری بازدهی نهایی بخش خصوصی، بخش عمده‌ای از سرمایه‌گذاری‌های این بخش کاهش یافته و رشد اقتصادی نیز کاهش خواهد یافت (فرمرزی و همکاران؛ ۱۳۹۴). اما این مباحث در اقتصاد ایران تا حدودی متفاوت است.

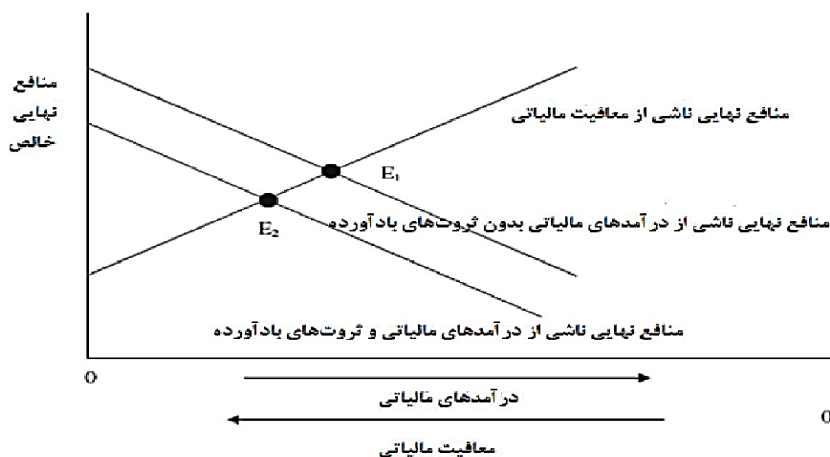
درآمدهای حاصل از صادرات نفت بخش مهمی از بودجه سالانه کشور ایران را تشکیل می‌دهد و از آنجایی که مالیات‌ها به عنوان اصلی‌ترین شکل‌دهنده رابطه دولت و شهروندان یک کشور به شمار می‌آیند میزان پاسخگویی دولت‌ها به میزان اتکای آن‌ها به پرداخت‌کنندگان مالیات بستگی دارد. وفور منابع طبیعی و درآمدهای بادآورده ناشی از آن احتمالاً این رابطه را دچار تضعیف می‌کند.

همان‌طور که بیان شد مالیات‌ها حلقه اتصال بین دولت و شهروندان محسوب می‌گردند، اما سؤال اینجاست که چه عواملی این رابطه را تضعیف می‌کنند؟ این پرسش را می‌توان از دریچه نظریه معروف نفرین منابع طبیعی مورد بررسی قرار داد. یکی از ویژگی‌های شگفت‌انگیز رشد مدرن اقتصادی این است که اقتصادهای دارای منابع طبیعی زیاد نسبت به اقتصادهای فقیر از نظر منابع طبیعی رشد پایین‌تری را تجربه می‌نمایند (ساجز و وارنر، ۱۹۹۷). زمانی که صحبت از منابع طبیعی به میان می‌آید رانت حاصل از منابع نقش اصلی در تحلیل‌های اقتصادی ایفا می‌نماید. دولت‌های رانتیر^۱ یکی از پیامدهای وفور منابع هستند که فزونی رانت آن‌ها را از تکیه بر مالیات‌ها بی‌نیاز می‌سازد. عدم نیاز دولت‌ها به مالیات موجب کاهش پاسخگویی دولت به شهروندان و کاهش کارایی دولت می‌گردد. از آنجایی که نفت یک منبع باارزش و از نظر فیزیکی مورد توجه است منافع حاصل از آن به تعداد کمی از شرکت‌های بزرگ و دولت‌های مرکزی و افرادی که آن‌ها را اداره می‌کنند تعلق می‌گیرد. شواهد نشان می‌دهد که دولت‌های وابسته به نفت:

تمایل دارند مستقل از شهروندان مالیات‌دهنده و غیرپاسخگو به آن‌ها باشند. علاقه‌اندکی به ارتقای سیستم گسترده توسعه اقتصادی دارند.

تمایل دارند تا درآمدهای غیرشفاف و نظارت قانونی کمتری داشته باشند. تمایل کمی به ایجاد بروکراسی‌های مؤثر جهت افزایش و مدیریت مالیات‌ها دارند.

در نمودار زیر چارچوب ساده‌ای برای نشان دادن آثار رانت ناشی از ثروت‌های ملی بر سیستم مالیاتی نشان داده شده است. محور افقی نمودار از راست به چپ معافیت‌های مالیاتی و از چپ به راست درآمدهای مالیاتی را نشان می‌دهد، همچنین خالص منافع حاصل از معافیت‌های مالیاتی و درآمدهای مالیاتی روی محور عمودی نشان داده شده است.



نمودار شماره ۱. آثار رانت ناشی از ثروت‌های ملی بر سیستم مالیاتی

همان‌طور که نمودار فوق نشان می‌دهد. منافع نهایی حاصل از درآمدهای مالیاتی همان‌طور که در نمودار فرض شده است به دلایلی در حال کاهش است. هزینه‌های مدیریتی جمع‌آوری مالیات و کاهش کارایی تخصیصی ناشی از مالیات بیشتر همراه با درآمدها افزایش می‌یابند. از سوی دیگر، برخی معتقدند کالاها و خدمات عمومی که با استفاده از درآمدهای مالیاتی ایجاد می‌گردند. در نهایت از حمایت‌های اضافی عمومی کمتری برخوردارند. اگر درآمدهای

اضافی مالیاتی را بتوان تنها با دادن حقوق (سیاسی و اقتصادی) بیشتر به مالیات‌دهندگان به دست آورد. معافیت‌های مالیاتی به صورت گسترده تعریف می‌شوند تا اینکه معافیت‌های غیررسمی و قانونی و در برخی موارد رشوه را در برگیرد. ممکن است معافیت‌ها حتی زیان ناشی از ناکارایی جمع‌آوری مالیات را در برداشته باشد. حکومت برای ایجاد حمایت سیاسی بعضاً از معافیت‌های مالیاتی استفاده می‌کند. تخصیص پست‌های مدیریتی در سیستم مالیاتی بین گروه‌ها یا افراد مورد علاقه و مدارا با فعالیت‌های رشوه‌جویانه و اجرای اختیاری قوانین مالیاتی از جمله اقدامات برای ایجاد این حمایت می‌باشند. فرض می‌شود منافع نهایی ناشی از معافیت‌های مالیاتی برای حکومت در حال کاهش است و معافیت‌ها ابتدا برای هواداران (رأی‌دهندگان) اصلی حکومت در نظر گرفته می‌شوند و معافیت‌های اضافی نهایتاً حمایت سیاسی اضافی کمتری در پی خواهند داشت، در حالی که احتمالاً کاهش در کارایی بیشتر و بیشتری را به اقتصاد تحمیل می‌کند. حکومت سطحی از معافیت‌های مالیاتی را انتخاب خواهد نمود که منافع خالص آن را حداکثر می‌سازد که این سطح بدون احتساب درآمدهای ناشی از منابع طبیعی است. نقطه $E1$ ترکیب تعادلی معافیت‌ها و درآمدهای مالیاتی را نشان می‌دهد. با احتساب درآمدهای ناشی از منابع طبیعی منحنی منافع نهایی درآمدهای مالیاتی به سمت چپ انتقال می‌یابد که نقطه تعادلی جدید در $E2$ خواهد بود. این نقطه سطح پایین درآمدهای مالیاتی و کیفیت پایین سیستم مالیاتی را نشان می‌دهد (ناک، ۲۰۰۹). افزایش درآمدهای نفتی ذاتاً تأثیر منفی بر مالیات نخواهد داشت؛ اما کیفیت سیاست‌گذاری از جانب دولت بسیار مهم است. الزاماً کاهش نرخ مالیات و افزایش استفاده از درآمدهای نفتی برای تحریک فعالیت‌های بخش خصوصی زیان‌آور نیست، اما کاهش کیفیت سیستم مالیاتی به دلیل وابستگی به درآمدهای نفتی عامل نگران‌کننده‌ای است، چراکه هنگام کاهش درآمدهای نفتی، سیاست و مدیریت ناکارای مالیاتی به راحتی نرخ‌های مالیاتی قابل تغییر نیستند به عنوان مثال، افزایش درآمدهای نفتی در سال ۱۹۷۳ توان عربستان در جمع‌آوری مالیات را کاهش داد، همچنین دو نهاد قوی مالیاتی همچون زکات و مالیات بر درآمد از کار بازماندند (چاودری، ۱۹۸۹).

بودجه عمومی دولت در ترکیب تقاضای کل اقتصاد ایران سهم قابل توجهی دارد (در حدود ۳۲ درصد در حالی که متوسط جهانی ۲۴ درصد است) و از طرف دیگر، مخارج دولت در ایران به طور مداوم در حال گسترش بوده است. بدین خاطر اقتصاد ایران در مواقعی که با افزایش درآمدهای نفتی مواجه بوده، دچار اضافه تقاضای مؤثر نیز بوده است. علاوه بر سهم بالای مخارج دولت در اقتصاد ایران، مشکل بزرگ‌تر وابستگی ساختاری بودجه دولت به درآمدهای نفتی است. درآمدهای نفتی به دلیل نوسانات قیمت نفت در بازارهای جهانی، پر نوسان و بی ثبات است؛ اما نکته جالب واکنش نامتقارن بودجه جاری دولت به درآمدهای نفتی است. در واقع در دوره‌های رونق نفتی که درآمدهای نفتی افزایش می‌یابد، مخارج جاری دولت از طریق فروش درآمدهای ارزی حاصل از نفت، تأمین می‌شود، در مقابل در دوره‌های رکود نفتی که درآمدهای نفتی کاهش می‌یابد، مخارج جاری دولت نه تنها کاهش نمی‌یابد، بلکه مخارج جاری رو به افزایش دولت از طریق کاهش بودجه عمرانی و استقراض از بانک مرکزی جهت پوشش کسری بودجه تأمین می‌گردد (دیزجی، ۱۳۹۱).

وابستگی ساختاری بودجه دولت به درآمدهای نفتی و هزینه این درآمدها (درآمدهای ارزی) از طریق بودجه دولت، نه تنها به استفاده بهینه از درآمدهای نفتی و تبدیل آن‌ها به ثروت نگردیده است، بلکه به بی ثباتی اقتصاد کشور دامن زده و موجب تضعیف اقتصاد ایران شده است. به‌طور کلی درآمدهای نفتی در ساختار بودجه و مخارج دولتی اقتصادهای متکی به نفت نقش پررنگی دارند. این درآمدها منبع اصلی برای تأمین مالی مخارج دولت می‌باشند. به‌پشتوانه این درآمدها دولت صاحب سهم عمده‌ای از بنگاه‌های اقتصادی و منابع طبیعی است. در جداول ذیل وضعیت درآمدهای مالیاتی به تفکیک ارائه شده است.

جدول شماره ۱: بودجه مصوب مالیاتی (میلیارد ریال)

بودجه مصوب												منابع	سال
۱۳۹۹	۱۳۹۸	۱۳۹۷	۱۳۹۶	۱۳۹۵	۱۳۹۴	۱۳۹۳	۱۳۹۲	۱۳۹۱	۱۳۹۰	۱۳۸۹	۱۳۸۸		
۳۳۵,۶۸۳	۲۹۸,۸۵۲	۳۳۷,۶۶۹	۲۳۱,۵۷۲	۱۸۶,۶۰۵	۱۷۳,۰۱۱	۱۲۹,۵۴۵	۱۵۴,۶۹۶	۱۰۹,۳۲۴	۹۳,۱۸۷	۷۹,۸۴۶	۶۴,۴۹۷	مالیات اشخاص حقوقی	
۵۷,۷۵۵	۵۳,۶۴۳	۴۳,۱۷۴	۳۵,۲۳۷	۲۸,۸۱۸	۲۸,۸۳۸	۱۴,۲۶۲	۱۱,۸۴۲	۱۶,۱۸۸	۱۶,۰۱۵	۱۰,۵۸۱	۷,۳۳۸	علی الحساب اشخاص حقوقی دولتی	
۴۹,۵۱۷	۳۵,۰۰۰	۳۵,۰۰۰	۴۰,۰۰۰	۳۰,۰۰۰	۳۶,۳۷۰	۴۲,۲۰۰	۶۱,۲۴۰	۲۲,۰۰۰	۱۹,۰۰۰	۱۸,۴۸۷	۶,۱۰۰	اشخاص حقوقی دولتی	
۹۷۹	۷۵۳	۶۷۳	۶۰۰	۱۹۲	۴۰۰	۵۰۰	۳۸۰	۴۳۶	۶۶۴	۷۰۰	۷۰۰	نهادهای و بنیادهای انقلاب اسلامی	
۲۲۷,۴۳۲	۲۰۷,۴۷۰	۱۵۵,۳۹۵	۱۴۸,۵۴۹	۱۲۷,۵۹۵	۱۰۷,۴۰۳	۷۲,۵۸۳	۴۴,۵۰۲	۳۴,۰۰۰	۲۸,۲۷۲	۲۳,۴۴۴	۱۸,۵۰۰	اشخاص حقوقی غیردولتی	
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۳۶,۷۳۲	۳۶,۷۰۰	۲۹,۲۳۷	۲۶,۱۲۴	۳۱,۸۶۹	عملکرد نفت	
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۵۰۰	۰	اضافی شرکت مخابرات	
۰	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	موضوع مواد ۲ و ۳ قانون توسعه دریایی	
۰	۱,۶۸۶	۳,۱۲۶	۶,۸۸۶	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	علی الحساب شرکت های در حال واگذاری	
۱۴۰,۷۲۴	۱۱۵,۹۲۵	۱۰۱,۳۹۳	۸۲,۳۹۵	۶۷,۸۸۴	۵۲,۷۸۷	۵۱,۶۵۱	۴۱,۸۱۵	۳۱,۸۶۵	۲۵,۰۶۷	۱۸,۶۴۶	۱۴,۷۰۰	مالیات بر درآمدها	
۴۳,۸۹۱	۳۰,۵۰۲	۲۷,۸۷۱	۲۱,۳۴۴	۱۷,۹۴۴	۱۴,۳۶۹	۱۵,۱۶۹	۱۲,۸۲۷	۹,۹۲۰	۸,۰۰۰	۴,۸۲۶	۳,۹۵۰	حقوق کارکنان بخش عمومی	
۴۵,۱۴۳	۴۰,۶۰۱	۳۵,۴۷۲	۲۶,۲۸۴	۲۱,۱۷۶	۱۶,۱۲۱	۱۴,۳۸۱	۱۲,۱۶۲	۸,۶۸۰	۷,۰۰۰	۴,۰۹۴	۲,۸۰۰	حقوق کارکنان بخش خصوصی	
۴۲,۵۰۰	۳۷,۹۸۵	۳۲,۶۱۶	۳۰,۲۰۵	۲۵,۰۴۶	۲۰,۳۲۹	۲۰,۰۸۰	۱۵,۱۷۹	۱۱,۹۰۰	۹,۰۹۱	۸,۶۱۲	۷,۲۰۰	مشاغل	
۷,۸۹۰	۵,۷۳۶	۴,۳۷۴	۳,۴۶۸	۲,۶۴۱	۱,۸۸۸	۱,۹۴۳	۱,۵۵۴	۱,۳۰۰	۹۲۹	۱۰,۲۹	۷۰۰	مستغلات	
۱۰۰	۱۰۰	۶۰	۹۵	۷۸	۸۰	۷۸	۹۳	۶۵	۴۷	۸۵	۵۰	متفرقه درآمد	
۱,۳۰۰	۱,۰۰۰	۱,۰۰۰	۱,۰۰۰	۱,۰۰۰	-	-	-	-	-	-	۰	معافیت مالیاتی (جمعی-خرجی)	
۲۵۰,۰۸۱	۲۳,۵۲۳	۲۶,۸۷۵	۲۰,۹۰۰	۱۶,۹۵۵	۱۳,۵۸۸	۱۲,۱۱۵	۹,۲۱۴	۷,۷۰۷	۶,۵۹۳	۶,۳۰۵	۶,۹۵۵	مالیات بر ثروت	

۱۴۳

نقش تعدیل‌کننده درآمد‌های نفتی بر رابطه...

۴,۶۲۴	۴,۱۷۳	۳,۶۳۰	۲,۶۲۶	۱,۸۷۹	۱,۶۳۱	۱,۲۰۵	۹۶۶	۷۰۰	۴۵۵	۴۷۷	۳۳۰	ارث
۲۵۰	۵۰	۴۲	۷۳	۶۰	۶۰	۳۰	۱۵	۷	۱۵	۱۴	۱۵	اتفاقی
۷,۲۳۹	۶,۰۴۶	۵,۲۰۲	۳,۸۷۹	۳,۲۰۰	۱,۸۱۹	۱,۹۶۴	۱,۵۰۴	۱,۱۰۰	۸۵۹	۱,۰۰۷	۱,۷۰۰	نقل و انتقال سرقفلی
۵,۱۵۱	۵,۸۷۳	۵,۱۱۴	۳,۳۰۳	۲,۷۲۵	۱,۵۵۹	۹۸۷	۸۵۸	۴۰۰	۳۰۳	۶۰۰	۱,۳۳۰	نقل و انتقال سهام
۳,۶۰۱	۴,۱۶۳	۴,۲۴۶	۲,۸۴۶	۲,۳۴۸	۲,۲۸۴	۲,۰۵۵	۱,۵۰۰	۱,۵۰۰	۱,۱۶۲	۱,۰۷۳	۱,۱۸۰	نقل و انتقال املاک
۴,۲۱۸	۳,۲۱۸	۸,۶۴۰	۸,۱۷۲	۶,۷۴۲	۶,۳۳۴	۵,۸۷۴	۴,۳۷۱	۴,۰۰۰	۳,۸۰۰	۳,۱۳۴	۲,۴۰۰	حق تمیر و اوراق بهادار
۵۰۱,۴۸۸	۴۲۸,۳۰۰	۳۶۵,۹۳۷	۲۳۴,۸۶۷	۲۷۱,۴۴۴	۲۲۹,۳۸۶	۱۹۳,۳۱۱	۲۰۵,۷۲۵	۱۴۸,۸۹۶	۱۲۴,۸۴۷	۱۰۴,۷۹۷	۸۶,۱۵۲	جمع مالیات‌های مستقیم
۴۵,۲۶۹	۳۷,۵۸۴	۲۹,۴۳۴	۱۶,۱۲۹	۵,۴۰۰	۱۶,۰۰۰	۱۶,۷۲۵	۱۴,۵۶۵	۳,۵۴۹	۶,۴۳۵	۳,۳۰۰	۲,۸۰۰	فرآورده‌های نفتی
۱۰۰	۱۰	۱۱	۱۱۱	۲۰	۲۱۰	۱,۷۱۵	۱,۰۰۰	۲,۰۰۰	۲,۲۲۲	۵,۴۸۳	۴,۲۹۰	دو درصد کالاها و خدمات
۳,۹۶۶	۳,۷۳۳	۲,۲۷۳	۱,۴۷۶	۱,۸۹۶	۱,۷۱۴	۱,۹۷۱	۱,۱۴۲	۹۹۰	۵۹۶	۸۶۰	۳۰۰	عوارض خروج
۴,۴۵۰	۴,۳۲۰	۴,۱۰۴	۲,۴۶۳	۱,۰۸۹	۱,۲۳۸	۱,۰۵۷	۵۶۰	۴۰۰	۳۸۴	۲۶۲	۱۸۰	سیگار
۷,۴۳۸	۷,۰۶۷	۴,۲۱۲	۲,۹۰۰	۱,۹۰۰	۱,۸۴۱	۲,۱۴۴	۱,۶۷۹	۱,۳۵۰	۱,۰۶۱	۱,۱۰۰	۷۸۰	نقل و انتقالات اتومبیل
۷,۷۱۶	۷,۰۵۲	۵,۱۶۴	۴,۳۵۸	۴,۹۰۷	۵,۱۱۲	۴,۴۲۲	۳,۲۰۰	۲,۲۰۰	۱,۵۷۲	۱,۱۲۶	۱,۱۰۰	شماره‌گذاری خودرو
□	□	□	□	۰	۰	۰	۳,۲۹۹	۱,۴۶۵	۱,۴۲۲	۱,۴۲۲	۱,۲۰۰	خدمات مخابراتی
□	□	□	□	۰	۰	۰	۳۰۰	۲۷۸	۴۹۹	۳۵۰	۳۵۰	فروش نوشابه
□	□	□	□	۰	۰	۰	۶۲۹	۲,۰۲۰	۱,۶۰۰	۱,۶۰۰	۰	تلفن همراه
۲۴۸,۵۵۴	۲۴۸,۴۹۵	۱۸۲,۳۳۶	۹۶,۲۰۲	۵۳,۹۸۸	۴۱,۰۱۰	۲۸,۱۰۸	۱۷,۴۲۵	۰	۰	۰	۰	ارزش افزوده
۳۶۷,۴۹۲	۳۰۸,۲۶۰	۲۲۷,۵۳۴	۱۲۳,۶۳۷	۶۹,۲۰۱	۶۷,۱۲۵	۵۶,۱۴۳	۳۹,۵۷۱	۱۴,۷۱۶	۱۶,۰۳۳	۱۵,۶۵۲	۱۱,۰۰۰	مالیات بر کالا و خدمات
۸۶۸,۹۸۱	۷۴۶,۵۶۰	۵۹۳,۴۷۱	۴۵۸,۵۰۴	۳۴۰,۶۴۵	۳۰۶,۵۱۱	۲۴۹,۴۵۴	۲۴۵,۲۹۶	۱۶۳,۶۱۲	۱۴۰,۸۸۰	۱۲۰,۴۴۹	۹۷,۱۵۲	مالیات‌های مستقیم و کالا و خدمات
۱۶۹,۳۰۰	۱۳۷,۳۰۰	۱۰۹,۰۷۴	۱۰۶,۰۰۰	۱۱۵,۱۲۴	۹۷,۹۳۱	۱۰۲,۰۰۰	۶۶,۱۲۶	۵۳,۳۳۱	۵۶,۴۱۵	۵۷,۱۶۸	۳۷,۶۸۰	مالیات بر واردات
*****	۸۸۳,۸۶۰	۷۰۲,۵۴۵	۵۶۴,۵۰۴	۴۵۵,۷۶۹	۴۰۴,۴۴۲	۳۵۱,۴۵۴	۳۱۱,۴۲۲	۲۱۷,۱۴۳	۱۹۷,۲۹۵	۱۷۷,۶۱۷	۱۳۴,۸۳۲	جمع کل درآمد‌های مالیاتی

جدول شماره ۲: بودجه وصولی مالیاتی (میلیارد ریال)

	□	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	وصولی				
								۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸
مالیات اشخاص حقوقی	۰۰۰۰۰۰	۶۴,۴۶۰	۷۲,۸۶۲	۹۲,۶۱۱	۱۲۷,۷۹۴	۱۶۷,۳۰۰	۱۱۶,۵۰۰	۱۵۷,۸۹۲	۱۶۹,۷۰۶	۱۷۹,۹۶۹	۲۴۰,۰۴۶	۲۷۸,۹۴۷
X1	۲۱۸,۶۲۷	۶۰,۴۷	۹,۷۸۷	۱۴,۴۹۶	۱۶,۳۶۷	۸,۶۰۶	۱۲,۱۴۶	۲۵,۱۹۴	۳۰,۶۵۰	۳۲,۳۸۴	۴۰,۷۵۲	۴۸,۵۲۰
X2	۱۸۹,۵۱۷	۸,۸۲۷	۱۳,۷۸۸	۲۱,۳۸۷	۴۱,۳۶۷	۷۱,۰۰۶	۳۳,۵۲۲	۴۴,۸۴۲	۳۵,۳۳۱	۲۴,۳۳۳	۳۷,۲۱۹	۳۲,۳۸۴
X3	۳,۱۹۷	۲۰۰	۲۵۷	۲۱۰	۲۲۳	۱۷۵	۱۹۴	۳۲۹	۴۰۶	۲۶۹	۳۸۸	۲۴۶
X4	۸۶۶,۴۴۲	۱۷,۵۰۷	۲۲,۴۴۹	۲۷,۳۸۱	۳۳,۱۳۷	۵۰,۷۸۲	۷۰,۶۳۸	۸۷,۵۲۷	۱۰۲,۳۱۹	۱۲۱,۹۷۹	۱۶۰,۶۵۴	۱۹۶,۹۸۸
X5	۰	۳۱,۸۶۹	۲۶,۱۳۴	۲۹,۱۳۷	۳۶,۷۰۰	۳۶,۷۲۲	۰	۰	۰	۰	۰	۰
X6	۰	۰	۴۴۶	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
X7	۹۰۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
X8	۱۱,۶۹۸	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
مالیات بر درآمدها	۵۰۸,۳۲۱	۱۵,۲۵۳	۱۹,۴۵۱	۲۵,۹۶۱	۳۱,۵۸۸	۳۳,۹۲۸	۴۱,۱۱۶	۴۹,۶۱۲	۶۲,۶۷۸	۷۶,۰۶۸	۹۴,۰۳۸	۱۱۷,۸۱۱
X9	۱۴۱,۵۵۱	۴,۷۸۲	۶,۲۰۳	۸,۸۸۰	۱۰,۵۳۳	۱۱,۳۱۰	۱۲,۹۷۷	۱۵,۱۴۵	۱۸,۴۸۸	۲۱,۳۸۲	۲۸,۹۷۹	۳۲,۰۷۰
X10	۱۶۸,۶۷۷	۳,۵۲۹	۴,۸۵۸	۶,۳۱۰	۹,۰۳۷	۹,۵۹۹	۱۲,۶۰۶	۱۵,۹۶۸	۲۱,۰۰۹	۲۸,۵۵۸	۳۷,۲۳۳	۴۷,۰۵۹
X11	۱۶۸,۳۵۲	۶,۳۸۹	۷,۵۱۶	۹,۷۲۶	۱۰,۸۸۱	۱۱,۶۲۳	۱۳,۷۸۰	۱۶,۲۴۴	۱۹,۱۵۰	۲۱,۳۳۴	۲۸,۵۵۳	۳۱,۹۴۹
X12	۲۴,۱۰۹	۶۲۶	۸۲۶	۹۷۵	۱,۰۶۵	۱,۳۳۰	۱,۶۸۷	۲,۱۶۵	۲,۰۵۱	۳,۷۴۶	۴,۷۵۸	۶,۰۶۹
X13	۴۲۲	۲۷	۳۹	۷۰	۷۱	۶۷	۶۶	۹۰	۵۳	۵۹	۴۴	۵۶
X14	۵,۲۰۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
مالیات بر ثروت	۱۱۳,۳۳۳	۴,۳۱۷	۵,۳۷۸	۷,۷۶۲	۷,۷۷۱	۷,۸۰۲	۱۱,۱۳۳	۱۲,۹۱۳	۱۵,۸۹۳	۲۱,۸۴۶	۲۵,۱۱۵	۳۴,۱۵۳
X15	۱۶,۹۳۲	۲۳۶	۴۴۷	۷۱۹	۸۸۴	۱,۰۷۰	۱,۲۵۹	۱,۶۰۸	۲,۳۱۸	۲,۷۹۱	۳,۲۹۷	۳,۷۹۸

۱۴۵

نقش تعدیل‌کننده درآمدهای نفتی بر رابطه...

X16	اتفاقی	۴۷۵	۱۲	۱۰	۷۴	۲۵	۴۳	۴۰	۳۰	۴۵	۵۵۷	۳۱	۴۱
X17	نقل و انتقال سرقتی	۲۵.۵۶۶	۷۸۵	۸۵۲	۱.۲۴۸	۱.۴۰۶	۱.۲۶۶	۱.۷۵۹	۳.۶۱۹	۴.۱۲۹	۵.۲۱۵	۵.۹۲۴	۷.۷۴۳
X18	نقل و انتقال سهام	۲۲.۱۶۶	۴۷۵	۴۶۵	۹۲۵	۸۸۹	۶۲۲	۱.۳۰۲	۱.۸۵۳	۲.۱۱۲	۵.۴۴۷	۴.۲۲۱	۵.۵۰۲
X19	نقل و انتقال املاک	۱۷.۲۰۵	۶۱۸	۱۰۰۸۴	۱.۲۴۶	۱۰۰۹۰	۱.۲۱۰	۱.۵۴۹	۱.۸۵۰	۲.۳۷۱	۲.۳۷۹	۳.۱۷۳	۵.۰۱۰
X20	حق تمبر و اوراق بهادار	۳۰.۹۹۰	۲۰.۹۰	۲.۵۲۱	۳.۵۴۰	۳.۴۷۸	۳.۶۵۷	۵.۱۲۱	۵.۱۸۴	۵.۴۴۳	۷.۰۶۵	۸.۸۸۸	۷.۱۱۰
	جمع مالیات‌های مستقیم	۰۰۰۰۰	۸۴.۰۳۰	۹۷.۶۹۱	۱۲۶.۲۳۴	۱۶۷.۱۵۳	۲۰۹.۰۳۰	۱۶۸.۷۴۸	۲۲۰.۴۱۷	۲۴۸.۲۷۷	۲۷۷.۸۸۳	۳۵۹.۱۹۹	۴۲۰.۹۱۱
X21	فرآورده‌های نفتی	۱۳۳.۸۱۵	۲.۹۵۹	۳.۱۸۳	۳.۵۷۷	۲.۵۷۷	۵.۴۲۵	۷.۷۶۴	۱۹.۱۵۰	۷.۳۹۳	۲۱.۴۰۸	۳۲.۱۸۸	۵۲.۶۶۶
X22	دو درصد کالاها و خدمات	۲۵۲	۳.۷۲۲	۴.۸۳۴	۵.۳۸۸	۳.۸۶۰	۱.۴۴۴	۲۰.۳۹	۱۶۸	۲۹۹	۷۵	۱۳۹	۹۸
X23	عوارض خروج	۱۳.۳۴۳	۲۶۴	۵۰۷	۶۴۸	۷۳۵	۷۴۴	۱.۳۸۹	۱.۵۸۲	۱.۲۴۱	۱.۵۷۷	۲.۷۲۰	۲.۷۴۴
X24	سیگار	۱۶.۴۲۷	۲۶۸	۳۵۷	۳۴۳	۳۹۹	۷۷۲	۷۵۰	۱.۰۱۱	۱.۷۸۱	۲.۵۸۲	۲.۴۲۳	۲.۵۸۱
X25	نقل و انتقالات اتومبیل	۲۳.۵۱۷	۸۵۰	۸۵۴	۱۰.۲۲	۱.۲۰۲	۱.۴۹۰	۱.۶۳۵	۱.۸۳۷	۲.۴۱۱	۳.۷۷۳	۶.۰۷۱	۶.۱۶۷
X26	شماره‌گذاری خودرو	۲۹.۱۹۷	۱.۲۹۹	۱.۴۰۱	۱.۸۲۵	۲.۰۱۷	۲.۴۲۲	۳.۴۱۹	۳.۶۵۵	۳.۲۲۱	۳.۳۵۳	۶.۴۴۶	۵.۹۹۳
X27	خدمات مخابراتی	۰	۱۰.۲۳	۱.۶۰۶	۲.۶۵۱	۱.۹۵۷	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
X28	فروش نوشابه	۰	۲۰۶	۲۳۹	۲۵۶	۱۵۲	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
X29	تلفن همراه	۰	۳.۹۹۰	۱.۱۴۱	۹۳۲	۵۵۲	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
X30	ارزش افزوده	۸۲۹.۵۷۴	۰	۰	۰	۲.۴۴۹	۱۶.۱۵۴	۲۰.۸۹۷	۳۲.۷۰۲	۵۴.۱۲۹	۱۰۳.۲۰۲	۱۶۷.۰۴۰	۱۹۷.۴۱۶
	مالیات بر کالا و خدمات	۰۰۰۰۰	۱۴.۵۹۱	۱۴.۱۲۳	۱۶.۶۶۳	۱۵.۹۰۰	۲۸.۴۵۱	۳۷.۸۹۳	۶۰.۱۰۵	۷۰.۴۸۵	۱۳۵.۹۶۹	۲۱۷.۰۲۶	۲۴۶.۷۴۷
	مالیات‌های مستقیم و کالا و خدمات	۰۰۰۰۰	۹۸.۶۳۰	۱۱۱.۸۱۵	۱۴۴.۹۹۷	۱۸۳.۰۵۳	۲۳۷.۴۸۱	۳۰۶.۶۴۲	۴۸۰.۵۲۳	۵۷۶.۲۲۵	۶۹۳.۸۵۳	۸۷۶.۶۵۸	۱۰۳۵.۲۴۷
X31	مالیات بر واردات	۶۳۶.۷۹۸	۳۵.۹۵۴	۳۹.۸۰۶	۴۸.۸۱۹	۵۶.۶۸۹	۶۲.۵۵۴	۷۷.۸۸۶	۷۸.۹۳۰	۷۶.۴۰۳	۸۰.۳۹۸	۱۱۳.۴۲۶	۱۱۵.۵۴۲
	جمع کل درآمدهای مالیاتی	۰۰۰۰۰	۱۳۴.۵۷۴	۱۵۱.۶۲۱	۱۹۱.۸۱۶	۲۳۹.۷۴۱	۳۰۰.۰۳۵	۳۸۴.۵۳۸	۴۵۹.۴۵۲	۵۵۹.۱۶۵	۶۹۴.۲۵۰	۷۰۹.۶۵۱	۷۸۳.۲۰۰

مأخذ: سازمان امور مالیاتی کشور

X32 تا X35 رشد مصرف بخش خصوصی، رشد سرمایه گذاری بخش خصوصی، رشد مخارج دولت و رشد خالص صادرات در نظر گرفته شده است. این شاخص ها نماینده متغیر رشد اقتصادی هستند

X36 تا X39 رشد فروش نفت خام، پتروشیمی، شیمیایی و نفتی در نظر گرفته شده است. این شاخص ها نماینده متغیر درآمدهای نفتی هستند.

۳. پیشینه تحقیق

مطالعات خارجی متعددی نیز به بررسی ارتباط بین ساختار مالیاتی و رشد اقتصادی پرداخته اند که می توان به مطالعات استویلا (۲۰۱۷)، یانگ (۲۰۱۶)، کریمی و همکاران (۲۰۱۶)، آتمس (۲۰۱۵) عبدالله و مرلی (۲۰۱۴)، ادکیسون و محمد (۲۰۱۴)، سرن و مارتی (۲۰۱۳)، اجد و یاماریک (۲۰۱۲)، لی و گوردون (۲۰۰۵) جوهانسون و همکاران (۲۰۰۸)، اشاره نمود. در ادامه نتایج چند تحقیق ارائه شده است.

ارنستو و سانجیو گوتا (۲۰۱۴)؛ آن ها داده های جدید ۳۵ کشور دارای منابع غنی را طی سال های ۱۹۹۲ تا ۲۰۰۹ را استفاده کردند تا تأثیر افزایش دادن درآمد منابع را بر روی انواع مختلف درآمد حاصل از مالیات داخلی را تحلیل کنند. در کل، به یک رابطه آماری منفی بین درآمد منابع و درآمد داخلی کل رسیدند.

بورنه وست و دیگران (۲۰۰۹)؛ با استفاده از داده های ۳۰ کشور، وجود رابطه جانشینی میان درآمدهای ناشی از کربن ها و دیگر درآمدهای دولت های تحصیلدار را نشان داده اند. بر اساس نتایج این تحقیق، کشورهایی که از استخراج منابع طبیعی درآمد زیادی به دست می آورند به طور قابل ملاحظه ای از تلاش خود برای اخذ مالیات می کاهند. درآمد ناشی از منابع طبیعی یکی از عوامل تعیین کننده نسبت درآمد مالیاتی به GDP است.

تیجرینا و پاگان (۲۰۰۳)؛ روابط متقابل درآمدهای مالیاتی و درآمدهای نفتی و مخارج دولت در مکزیک را بررسی کرده اند. بر اساس نتایج تحقیق، کاهش ناگهانی درآمدهای نفتی در اقتصادهای وابسته به نفت می تواند سبب عدم تعادل و فشار مالی شود. استفاده از تابع واکنش

تحریک، وجود یک رابطه جانشینی میان درآمدهای نفتی و درآمدهای مالیاتی در مکزیک را نشان می‌دهد.

صامتی و همکاران (۱۳۹۸)؛ به بررسی میزان و نحوه تأثیر نااطمینانی ساختار (درآمدهای مالیاتی ایران بر تولید ناخالص داخلی طی سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۹۶ و با بهره‌گیری از الگوی واریانس ناهمسانی شرطی خودتوضیحی تعمیم یافته (GARCH) و رویکرد خود توضیحی با وقفه‌های توزیعی (ARDL) پرداخته شده است. نتایج تحقیق نشان داد که نااطمینانی مالیاتی در ایران می‌تواند هم تأثیر مثبت و هم تأثیر منفی بر رشد اقتصادی بگذارد؛ به گونه‌ای که متغیرهای نااطمینانی مالیات کالاها و خدمات، نااطمینانی مالیات واردات و نااطمینانی مالیات ثروت (دارایی) تأثیر منفی و متغیرهای نااطمینانی مالیات اشخاص حقوقی و مالیات درآمد تأثیر مثبتی بر رشد اقتصادی ایران داشته‌اند؛ همچنین، متغیر پرداخت‌های بودجه تأثیری مثبت اما بی‌معنایی بر رشد اقتصادی ایران داشته است. در نهایت، تولید ناخالص داخلی تأثیر مثبت، معنادار و قابل توجهی از وقفه اول خود پذیرفته است.

رنجبر و همکاران (۱۳۹۶)، در تحقیقی تحت عنوان امکان جایگزینی درآمدهای مالیاتی با درآمدهای نفتی (مطالعه موردی ایران) به بررسی روابط بین میزان سهم درآمدهای مالیاتی و سهم سایر درآمدهای دولت (شامل درآمدهای نفتی) می‌پردازد. بدین منظور از برآورد یک سیستم معادلات هم‌زمان به روش خودرگرسیون برداری (روش VAR) استفاده شده و در نهایت تأثیر خالص اعمال شوک ترکیبی یک واحد افزایش درآمد مالیاتی همراه با یک واحد کاهش درآمد نفتی، بر روی درآمدهای مالیاتی، درآمدهای نفتی، کسری بودجه و شاخص قیمت‌ها مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج حاکی از برطرف شدن آثار بی‌ثباتی اولیه متأثر از چنین شوکی در الگوی هشت دوره است. بنابراین، می‌توان اظهار داشت که امکان جایگزینی درآمدهای مالیاتی با درآمدهای نفتی، بدون تأثیر نامطلوب بر شرایط بلندمدت متغیرهای مورد بررسی، وجود دارد.

نظری (۱۳۹۵)؛ به بررسی اثر درآمد نفتی بر درآمد مالیاتی کشورهای صادرکننده نفت پرداخته است. برای این منظور، کشورها بر حسب درجه باز بودن تجاری به دو گروه شامل سطح

پایین و بالا تقسیم و مدل مدنظر با به کارگیری اطلاعات تابلویی کشورهای طی سال‌های ۲۰۱۴-۱۹۹۸ برآورد شده است. نتایج نشان می‌دهد که در هر دو گروه از کشورهای مذکور، درآمد نفتی تأثیر منفی و معناداری بر درآمدهای مالیاتی داشته است. به علاوه، سایر متغیرها تأثیر معنی‌داری بر درآمد مالیاتی کشورهای با درجه باز بودن تجاری پایین ندارند، این در حالی است که در کشورهای با درجه باز بودن تجاری بالا، تمامی سایر متغیرها (به جزء تولید ناخالص داخلی) تأثیر معنی‌دار و مثبت دارند.

التجائی و طاهری (۱۳۹۵)؛ در تحقیقی با عنوان «رابطه میان ترکیب درآمدهای دولت و درآمد نفتی در کشورهای صادرکننده نفت» با استفاده از مدل داده‌های ترکیبی به بررسی رابطه درآمدهای دولت و درآمد نفت در کشورهای صادرکننده نفت پرداخته‌اند. نتایج بررسی نشان می‌دهد که افزایش درآمد نفت موجب کاهش سهم درآمدهای مالیاتی دولت شده است. به عبارتی با گذشت زمان درآمد نفت کمکی به بهبود وضعیت اقتصادی به لحاظ کاهش وابستگی دولت به درآمد نفتی نکرده است. همچنین درآمد نفت در قالب دو متغیر نسبت ارزش افزوده نفت به تولید ناخالص داخلی و نسبت صادرات نفت به کل صادرات در نظر گرفته شده است.

زرانژاد و همکاران (۱۳۹۳)، در تحقیقی تحت عنوان «بررسی و اندازه‌گیری تأثیر درآمدهای نفتی بر درآمدهای مالیاتی در ایران» با استفاده از روش ARDL بدین نتیجه دست یافتند که فرضیه حاکی از تأثیر مثبت و معنادار درآمدهای نفتی بر درآمدهای مالیاتی مورد تأیید است و لزوم کاهش اتکا به درآمدهای نفتی و اصلاح ساختار مالیاتی را نشان می‌دهد. همچنین بر اساس نتایج تحقیق تولید ناخالص داخلی، سهم صنعت از تولید ناخالص داخلی و سایر درآمدهای دولت بر درآمدهای مالیاتی تأثیر مثبت و نرخ تورم تأثیر منفی بر این شاخص دارد.

هامیان و همکاران (۱۳۹۲)، به بررسی این امر پرداختند که در ایران فروش نفت عمده‌ترین منبع درآمدی دولت به حساب می‌آید. به دلایل مختلف از جمله، نوسان‌های قیمتی نفت و از دست رفتن یک ذخیره ملی باارزش، این روش قابل تأیید نیست و این مسئله که باید سیستم مالیاتی کشور اصلاح گردد تا جایگزین مناسبی برای تأمین مخارج دولت باشد، اجتناب‌ناپذیر به

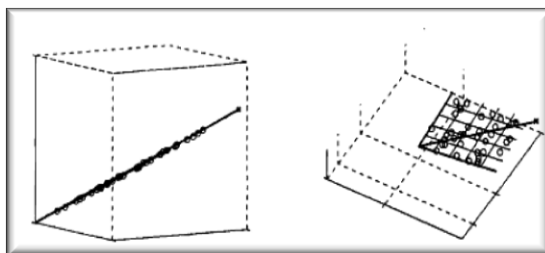
نظر می‌رسد. مطالعه حاضر به بررسی روابط فوق در ایران با در نظر گرفتن داده‌های دوری ۱۳۵۷-۱۳۸۷ ایران پرداخته است. در این خصوص، این فرضیات آزمون شده است که افزایش درآمد مالیاتی کشور، کاهش در درآمد نفتی را نمی‌تواند جبران کند و اینکه افزایش درآمد مالیاتی تأثیری بر کاهش کسری بودجه نخواهد داشت. بدین منظور از برآورد یک سیستم معادلات هم‌زمان به روش رگرسیون‌های به‌ظاهر نامرتب (روش SUR) استفاده شده است. نتایج حاصل از تخمین نشان می‌دهد که توجه بیشتر دولت به درآمدهای مالیاتی، کاهش درآمدهای نفتی و جایگزینی درآمدهای مالیاتی در سیستم درآمدی دولت، می‌تواند وابستگی بیش از حد اقتصاد ایران را به درآمد نفتی کاهش دهد؛ همچنین در بلندمدت این درآمدهای مالیاتی هستند که بیشترین اثر را بر کاهش کسری بودجه دولت می‌گذارند.

صامتی و اسمعیل درجانی (۱۳۹۲)؛ در تحقیقی تحت عنوان «تأثیر وفور منابع طبیعی بر سیاست‌های مالی دولت در ایران طی دوره (۱۳۵۷-۱۳۸۷)، با تأکید بر فرضیه نفرین منابع طبیعی» در این پژوهش تلاش شده تا تأثیر عوامل مؤثر بر درآمدهای مالیاتی از دریچه فرضیه مشهور نفرین منابع طبیعی مورد بررسی قرار گیرد. بر اساس داده‌های موجود هنگام افزایش درآمدهای نفتی میزان وابستگی دولت به درآمدهای مالیاتی کاهش می‌یابد، از این رو افزایش سهم نفت در بودجه دولت و نوسان‌های درآمد حاصل از آن یکی از عوامل اثرگذار بر سیستم مالیاتی است. هدف از این تحقیق، بررسی تأثیر درآمدهای نفتی بر سیاست‌های مالی در ایران طی سال‌های (۱۳۵۷-۱۳۸۷) در قالب یک مدل خطی است. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که ثروت‌های بادآورده ناشی از منابع نفتی نیاز به مالیات‌گیری را کاهش می‌دهد و کارایی سیستم مالیاتی را پایین می‌آورد.

۴. روش تحقیق و برآورد مدل

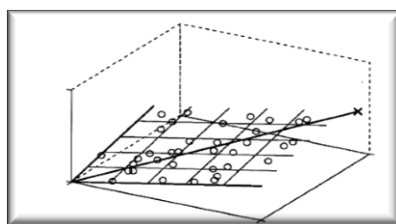
در روش حداقل مربعات جزئی ابتدا باید سعی نمود تا مجموعه‌ای از فاکتورهایی که محدوده داده‌ها در آن ضروری است را پیدا نماییم. برای این کار نمودار شماره ۲ را می‌توان ملاحظه نمود. در این شکل، باید یک محور که بیشترین پراکنش داده‌ها در آن وجود دارد را محاسبه نماییم که

جمع مربعات فاصله‌های همه آن نقاط از آن محور حداقل باشد که به این محور بردار ویژه، گفته می‌شود^۱.



نمودار شماره ۲: اولین بردار ویژه یا فاکتور مربوط به مجموعه کل داده‌ها

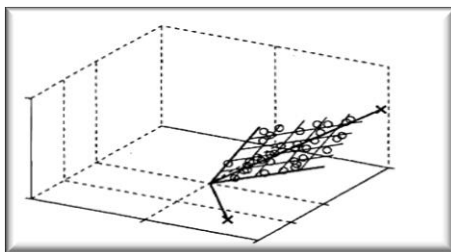
در ادامه همه طیف‌ها در یک ماتریس جذب قرار داده می‌شوند و اولین بردار ویژه را محاسبه می‌نماید. اولین بردار ویژه دارای ماکزیمم واریانس داده‌هایی است که بردار ویژه تمام آن نقاط را در برگرفته است. این می‌تواند علت این باشد که چرا این بردار ویژه، همچنین اولین مؤلفه اصلی مجموعه داده‌ها، نامیده می‌شود. نمودار شماره ۳، منحنی اولین بردار ویژه مجموعه داده‌ها را نشان می‌دهد.



نمودار شماره ۳: منحنی اولین بردار ویژه مجموعه داده‌ها

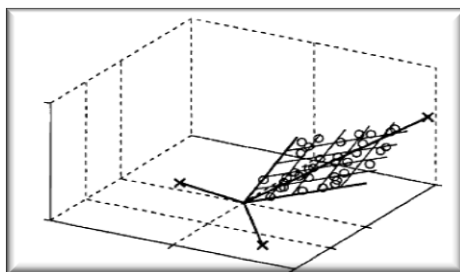
بردار ویژه باید در ناحیه‌ای از نقاط داده‌ها قرار بگیرد که ماکزیمم واریانس برای داده‌ها ممکن شود. هر جابجایی بردار ویژه به طرف بالا یا پایین سطح داده‌ها، جمع مربعات فاصله‌های نقاط از بردار ویژه را افزایش خواهد داد. هم‌اکنون اجازه باید داد تا بردار بعدی به گونه‌ای تعیین

گردد که دارای ماکزیمم مقدار واریانس باقیمانده‌ای باشد که توسط اولین بردار گردآوری نشده باشد. این را بردار ویژه دوم می‌نامیم. این بردار باید عمود بر بردار ویژه اول باشد. اگر عمود نباشد نمی‌تواند ماکزیمم مقدار واریانس باقیمانده‌ی اولین بردار ویژه را حاصل نماید (نمودار شماره ۴).



نمودار شماره ۴: منحنی اولین بردار ویژه و دومین بردار ویژه مجموعه داده‌ها عمود بر هم

با پیدا کردن این جفت بردار که با همدیگر ماکزیمم واریانس را دارند، می‌توان به عنوان مختصه جدید استفاده نمود. به علت ماکزیمم واریانس در این دو بردار، می‌توان مطمئن شد که علاوه بر این دو بردار، هیچ بردار ویژه دیگری وجود ندارد که در نظر گرفته شود. هر بردار در اینجا به عنوان یک فاکتور یا مؤلفه اصلی از داده‌ها است (این دو بردار نماینده تمام داده‌ها می‌باشند). که بر این اساس می‌توان سهم هر یک از متغیرهای توضیحی مؤثر بر متغیر وابسته را محاسبه نمود.



نمودار شماره ۵: بردار ویژه سوم عمود بر دو بردار ویژه اول و دوم

در ادامه بر اساس تمامی شاخص‌های تحقیق اقدام به برآورد مدل نمودیم. با توجه به اینکه مقیاس متغیرها یکسان نیستند، برخی بر حسب درصد (مانند رشد اقتصادی) و برخی بر حسب سطح

(مقدار مالیات بر ارزش افزوده اقتصادی) می‌باشند؛ داده‌های تحقیق نرمال شده‌اند. در ادامه در جدول شماره (۳) اقدام به تعریف متغیرهای تحقیق نموده‌ایم:

جدول شماره ۳: متغیرهای تحقیق

نماد	نام	نحوه محاسبه	مقیاس
TAX FIRM	مالیات اشخاص حقوقی	علی‌الحساب اشخاص حقوقی دولتی	میلیارد ریال
		اشخاص حقوقی دولتی	میلیارد ریال
		نهادهای و بنیادهای انقلاب اسلامی	میلیارد ریال
		اشخاص حقوقی غیردولتی	میلیارد ریال
		عملکرد نفت	میلیارد ریال
		اضافی شرکت مخابرات	میلیارد ریال
		موضوع مواد ۲ و ۳ قانون توسعه دریایی	میلیارد ریال
		علی‌الحساب شرکت‌های در حال واگذاری	میلیارد ریال
TAX I	مالیات بر درآمدها	حقوق کارکنان بخش عمومی	میلیارد ریال
		حقوق کارکنان بخش خصوصی	میلیارد ریال
		مشاغل	میلیارد ریال
		مستغلات	میلیارد ریال
		متفرقه درآمد	میلیارد ریال
		معافیت مالیاتی (جمعی-خرجی)	میلیارد ریال
TAX W	مالیات بر ثروت	ارث	میلیارد ریال
		اتفاقی	میلیارد ریال
		نقل‌وانتقال سرقتی	میلیارد ریال
		نقل‌وانتقال سهام	میلیارد ریال
		نقل‌وانتقال املاک	میلیارد ریال
		حق تمبر و اوراق بهادار	میلیارد ریال

ادامه جدول شماره ۳: متغیرهای تحقیق

نماد	نام	نحوه محاسبه	مقیاس
TR OIL	فرآورده‌های نفتی	فرآورده‌های نفتی	میلیارد ریال
TAX VA	ارزش افزوده (مالیات بر کالا و خدمات)	دو درصد کالاها و خدمات	میلیارد ریال
		عوارض خروج	میلیارد ریال
		سیگار	میلیارد ریال
		نقل و انتقالات اتومبیل	میلیارد ریال
		شماره‌گذاری خودرو	میلیارد ریال
		خدمات مخابراتی	میلیارد ریال
		فروش نوشابه	میلیارد ریال
		تلفن همراه	میلیارد ریال
TAX M	مالیات بر واردات	مالیات بر واردات	میلیارد ریال
Y	رشد اقتصادی	درصد تغییرات تولید ناخالص داخلی	درصد

معادلات برآوردی تحقیق در معادلات بدون حضور (معادله اول) و با حضور درآمدهای نفتی

(معادله دوم) ذیل به صورت زیر است:

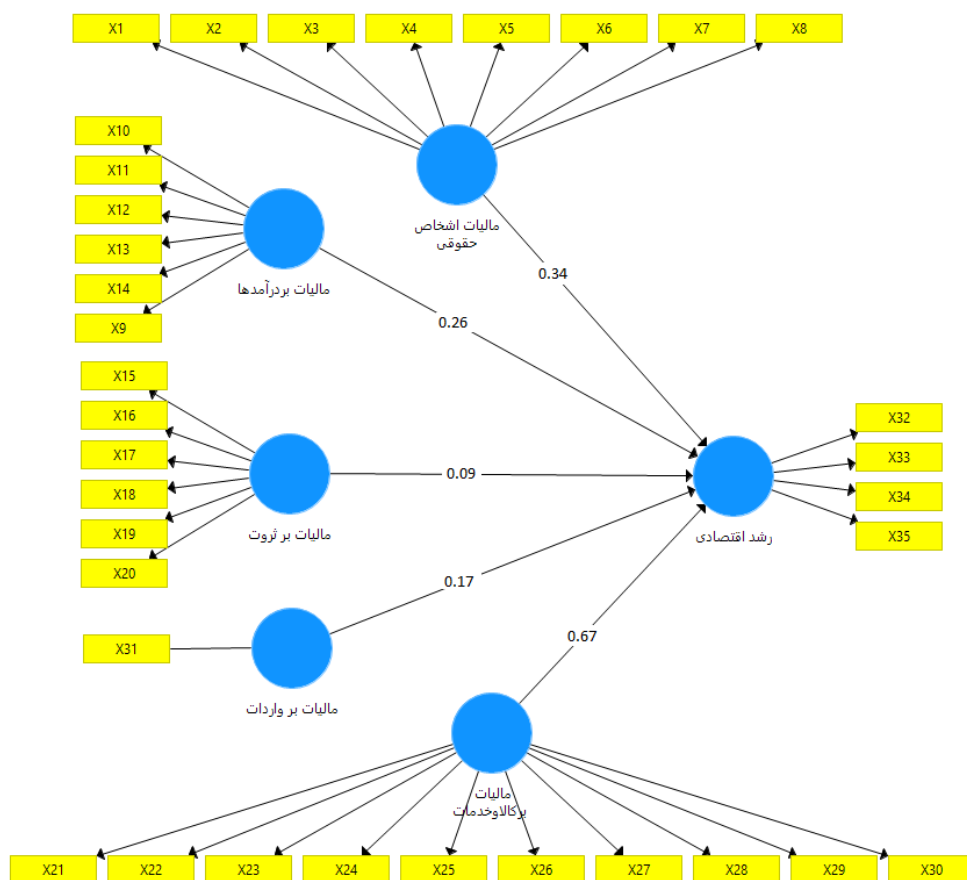
(معادله اول)

$$Y = \beta_1 TAX FIRM + \beta_2 TAX I + \beta_3 TAX W + \beta_4 TAX M + \beta_5 TAX VA$$

(معادله دوم)

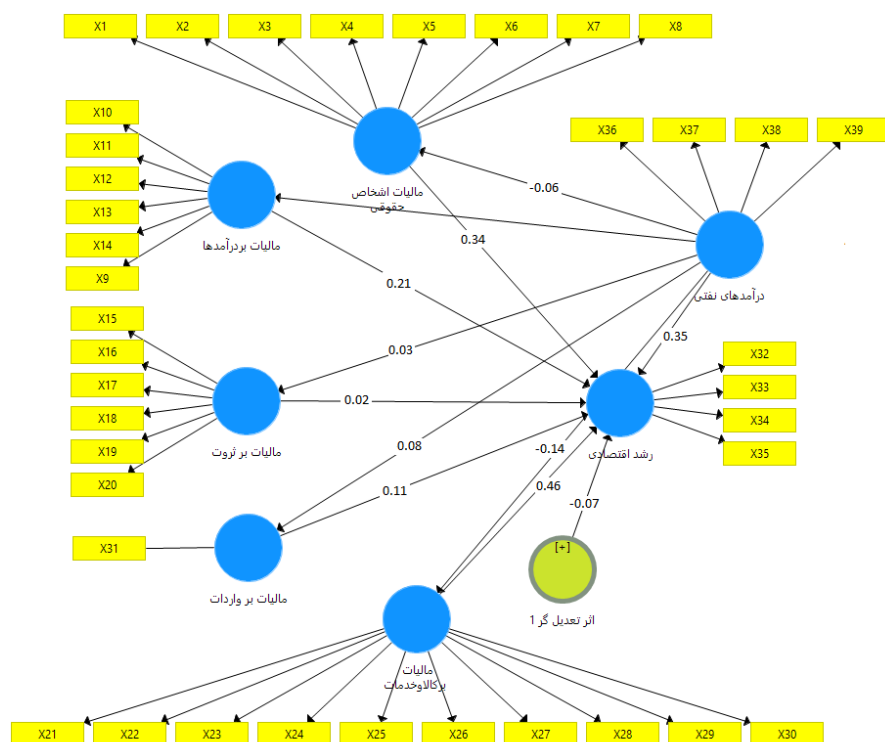
$$Y = \beta_1 TAX FIRM + \beta_2 TAX I + \beta_3 TAX W + \beta_4 TAX M + \beta_5 TAX VA + \beta_6 TR OIL + \beta_7 TR OIL f(TAX FIRM, TAX I, TAX W, TAX M, TAX VA)$$

در ادامه اقدام به برآورد مدل نمودیم:



نمودار شماره ۶: رابطه بین رشد اقتصادی و درآمدهای مالیاتی بدون لحاظ نمودن درآمدهای نفتی

بر اساس نتایج مدل شماره ۶، درآمد مالیات ناشی از ارزش افزوده بیش از سایر مالیات‌ها بر رشد اقتصادی مؤثر است. در نتیجه جایگزینی میان مالیات بر ارزش افزوده با مالیات بر سود شرکت‌ها مورد تأکید قرار می‌گیرد.



نمودار شماره ۷: رابطه بین رشد اقتصادی و درآمدهای مالیاتی با لحاظ نمودن درآمدهای نفتی

با ورود متغیر درآمدهای نفتی به مدل مشاهده می‌گردد، اثرات تمامی انواع مالیات بر رشد اقتصادی کاهش یافته است. این کاهش در مالیات بر ارزش افزوده محسوس‌تر از سایر مالیات‌ها است؛ همچنین بر اساس نتایج مشاهده می‌شود درآمدهای نفتی بر انواع مالیات به‌جز مالیات بر ثروت و مالیات بر واردات تأثیر منفی دارد و موجب کاهش تأثیر آن می‌گردد. بر اساس نتایج درآمدهای نفتی به اندازه ۰/۳۵ بر رشد اقتصادی تأثیر دارد اما اثر تعدیل‌کننده آن (دایره رنگ سبز) برابر با ۰/۰۷- درصد بوده و از طریق کاهش درآمدهای مالیاتی موجب کاهش رشد اقتصادی می‌گردد. در ادامه پس از برآورد مدل نیاز است که اعتبار مدل برآوردی مورد بررسی قرار گیرد. در ادامه نتایج شاخص‌های نیکویی برازش مدل ارائه شده است.

از نیکویی برازش برای سنجش شباهت میان منحنی‌های تجربی و منحنی‌های نظری استفاده می‌شود. بر اساس نتایج در الگوریتم‌های PLS بر اساس شاخص بنتلر و بونتو ضرایب تبیین و تبیین اصلاح شده مدل نهایی در وضعیت مطلوبی قرار دارد.

جدول شماره ۵: شاخص‌های نیکویی برازش مدل

شاخص	مدل اشباع	مدل برآورد شده
SRMR	۰.۰۴۳	۰.۰۵۳
GFI	۰.۸۹۷۱	۰.۸۵۷۱

مأخذ: یافته‌های پژوهش

بر اساس جدول فوق شاخص GFI مدل در وضعیت مطلوبی است؛ شاخص برازش هنجار شده بر اساس تبدیل مقیاس کای دو ساخته شده و مقدار آن بین ۰ و ۱ تغییر می‌کند. با توجه به مقدار این شاخص می‌توان بیان داشت مدل حاضر دارای میزان آماره GFI حدوداً ۹۰ درصدی است که دارای مقدار قابل قبولی جهت پذیرش نتایج مدل است. دامنه قابل قبول برای شاخص SRMR نیز در حدود ۸ درصد و پایین‌تر از آن است که از لحاظ این شاخص نیست مدل در وضعیت مطلوبی قرار دارد.

۵. جمع‌بندی و پیشنهادها

نتایج تحقیق بیانگر این واقعیت است که با ورود درآمدهای نفتی به مدل از اثرگذاری درآمدهای مالیاتی بر رشد اقتصادی کاسته شده و نقش مالیات در ایجاد رشد و توسعه اقتصادی کاهش یافته است. اثر تعدیل‌کننده درآمدهای نفتی برابر با ۰/۰۷- درصد است که از طریق کاهش درآمدهای مالیاتی موجب کاهش رشد اقتصادی می‌گردد.

با توجه به تأثیر منفی درآمدهای نفتی بر مالیات بر ارزش افزوده این نتیجه حاصل می‌گردد عمده درآمدهای نفتی صرف کالاهای وارداتی می‌شود که این امر با تضعیف تولید داخلی و کاهش سهم تولید داخلی منجر به کاهش درآمدهای مالیات بر ارزش افزوده می‌شود. به عبارتی

کنترل درآمدهای نفتی به بازار و استفاده آن‌ها در طرح‌های عمرانی و زیرساخت‌ها در بلندمدت می‌تواند وضعیت‌های درآمدهای ناشی از مالیات بر ارزش افزوده را افزایش دهد.

با توجه به تأثیر منفی درآمدهای نفتی بر مالیات بر ارزش افزوده جایگزینی مالیات بر ارزش افزوده به جای مالیات بر سود شرکت‌ها موجب بهبود وضعیت بنگاه‌های تولید می‌شود چراکه این نوع مالیات موجبات بهبود عدالت و کارایی مالیاتی را ارتقا می‌دهند. چراکه این نوع مالیات به ماهیت عامل تولید مرتبط نبوده و به میزانی ارزشی که در فرآیند تولید توسط هر یک از عوامل تولید توجه دارد. با بهبود وضعیت بنگاه‌های تولیدی جایگاه مالیات بر ارزش افزوده در میان سایر عوامل تأمین‌کننده درآمدهای دولت بهبود می‌یابد.

کاهش رانت ناشی از نفت و سطح تحصیلداری دولت با گسترش دولت الکترونیک در اقتصاد موجب بهبود فرآیند اثرگذاری درآمدهای نفتی بر درآمدهای مالیاتی می‌گردد.

با توجه به تأثیر منفی درآمدهای نفتی بر مالیات بر سود شرکت‌ها این نتیجه حاصل می‌گردد ورود درآمدهای نفتی موجب بدتر شدن شاخص‌های فضای کسب و کار می‌شود. در نتیجه بهبود سیاست‌های فضای کسب و کار می‌تواند در انتقال مکانسیم اثرگذاری درآمدهای نفتی بر درآمدهای مالیاتی مؤثر باشد.

منابع

- بابایی، قاسم (۱۳۹۰)؛ بررسی ارتباط میان پنج متغیر کلان اقتصادی و درآمدهای نفتی در سه کشور نفتی به صورت جداگانه در ایران، نروژ و ونزوئلا، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد.
- چیت‌ساز، مونا. (۱۳۸۷). بررسی رابطه بین درآمدهای نفتی و درآمدهای مالیاتی در ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا
- صفاریان، حمیدرضا (۱۳۹۰). بررسی کانال‌های اثرگذاری درآمدهای نفتی بر رشد اقتصادی در ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.
- خاتمی، طیه (۱۳۸۸). تعیین مسیر بهینه مالیات در جهت کاهش وابستگی بودجه عمومی دولت به درآمدهای نفتی در ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه بوعلی سینا.
- شمس‌الدینی، مصطفی (۱۳۹۱). بررسی عوامل تأثیرگذار بر افزایش درآمدهای مالیاتی در ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- صاحب‌هنر، الهام (۱۳۹۱). بررسی اثر افزایش درآمد نفتی بر توزیع درآمد در ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
- صامتی، مجید، محمدی، وحید، مظفری شمسی، هاجر، اسعدی، فریدون (۱۳۹۸)، بررسی رابطه پویای ساختار مالیاتی و رشد اقتصادی در ایران با تأکید بر نااطمینانی، *مطالعات اقتصادی کاربردی ایران*، دوره ۸، شماره ۳۲، صفحه ۱۶۱-۱۹۳
- طاهری، طیه (۱۳۹۵). رابطه میان ترکیب درآمدهای دولت و درآمد نفتی در کشورهای صادرکننده نفت، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- عباسیان، عزت‌اله و خاتمی، طیه (۱۳۹۱)، تعیین مسیر بهینه مالیات‌ها در جهت کاهش وابستگی بودجه دولت به درآمدهای نفتی، *فصلنامه اقتصاد مقداری (بررسی‌های اقتصادی سابق)*، دوره ۹، شماره ۱
- معیدفر سعید (۱۳۹۰)، آزمون نظریه نفرین منابع با رویکرد تحلیل تطبیقی بین کشوری، *مسائل اجتماعی ایران*، سال دوم، شماره ۲

مهرآرا، محسن (۱۳۹۰)؛ تفسیری از فرضیه نفرین منابع در کشورهای صادرکننده نفت: تکانه‌های مثبت نفتی، از چه سطح آستانه‌ای برای رشد اقتصادی، مضراست؟ فصلنامه مطالعات اقتصاد انرژی، سال هشتم، شماره ۲۸

- Abdullah, S., & Morley, B. (2014). Environmental taxes and economic growth: Evidence from panel causality tests. *Energy Economics*, 42, 27-33. <https://doi.org/10.1016/j.eneco.2013.11.013>.
- Acosta-Ormaechea, S., and J. Yoo, 2012, Tax Composition and Economic Growth, IMF
- Adkisson, R. V., & Mohammed, M. (2014). Tax structure and state economic growth during the Great Recession. *The Social Science Journal*, 51(1), 79-89. <https://doi.org/10.1016/j.sosci.2013.10.009>.
- Arellano, M. and S. Bond, 1991, Some tests of specification for panel data: Monte Carlo evidence and an application to employment equations, *The Review of Economic Studies*, 58, pp. 277-297
- Arnold, J., B. Brys, C. Heady, A. Johansson, C. Schwellnus, and L. Vartia, 2011, Tax Policy for Economic Recovery and Growth, *Economic Journal*, Vol.111, pp. 59-80.
- Atems, B. (2015). Another look at tax policy and state economic growth: The long-run and short-run of it. *Economics Letters*, 127, 64-67. <https://doi.org/10.1016/j.econlet.2014.12.035>.
- Baltagi, B., 2008, *Econometric Analysis of Panel Data*, Wiley, 4th Edition.
- Benedek, D., E. Crivelli, S. Gupta, and P. Muthoora, 2013, Foreign aid and revenue: Still a
- Bergman, M., 2002, Who pays for social policy? A study on taxes and trust, *Journal of Social Policy* 31 (2), pp. 289-305.
- Blundell, R., and S. Bond, 1998, Initial Conditions and Moment Restrictions in Dynamic Panel Data Models, *Journal of Econometrics*, 87, pp. 115-43.
- Bornhost, F., S. Gupta, and J. Thornton, 2009, Natural Resource Endowments and the Domestic Revenue Effort, *European Journal of Political Economy*, Elsevier, Vol. 25(4), pp. 439-46, December
- Brown, D. C., Cederburg, S., & O'Doherty, M. S. (2017). Tax uncertainty and retirement savings diversification. *Journal of Financial Economics*, 126(3), 689-712. <https://doi.org/10.1016/j.jfineco.2017.10.001>. <https://www.cbi.ir>
- Chaudhry, K., 1997, *The Price of Wealth: Economies and Institutions in the Middle East*, Cornell University Press, Ithaca.
- Chow, C., 1960, Tests of Equality Between Sets of Coefficients in Two Linear Regressions, *Econometrica*, 28, pp. 591-605.
- Collier, P., 2006, Is aid oil? An analysis of whether Africa can absorb more aid, *World Development* 34, pp. 1482-97.
- Crandall, W., and J. Bodin, 2005, Revenue Administration Reform in Middle Eastern Countries, 1994-2004, IMF Working Paper 05/203 (Washington: International Monetary Fund).

- Crivelli, E., 2013, Fiscal impact of privatization revisited: The role of tax revenues in transition economies, *Economic Systems* 37, 217-32.
- Davis, G., and J. Tilton, 2005, The resource curse, *Natural Resources Forum* 29, pp. 233- 42.
- Freire-Serén, M. J., & i Martí, J. P. (2013). Tax avoidance, human capital accumulation and economic growth. *Economic Modelling*, 30, 22-29. <https://doi.org/10.1016/j.econmod.2012.08.021>.
- Gupta, S and S. Tareq, 2008, Mobilizing Revenue, Finance and Development, Vol. 45, Issue 3 (Washington: International Monetary Fund)
- Johansson, A., Heady, C., Arnold, J., Brys, B., & Vartia, L. (2008). Tax and Economic Growth-Working Paper No. 620. www.oecd.org/eco/working_papers.
- Karimi, M., Kaliappan, S. R., Ismail, N. W., & Hamzah, H. Z. (2016). The Impact of Trade Liberalization on Tax Structure in Developing Countries. *Procedia Economics and Finance*, 36, 274-282. [https://doi.org/10.1016/S2212-5671\(16\)30038-7](https://doi.org/10.1016/S2212-5671(16)30038-7).
- Lee, J., & Xu, J. (2019). Tax uncertainty and business activity. *Journal of Economic Dynamics and Control*, 103, 158-184. <https://doi.org/10.1016/j.jedc.2018.09.013>.
- Lee, Y., & Gordon, R. H. (2005). Tax structure and economic growth. *Journal of public economics*, 89(5-6), 1027-1043. <https://doi.org/10.1016/j.jpubeco.2004.07.002>.
- McGuirk, E., 2013, The illusory leader: natural resources, taxation and accountability, *Public Choice* 154, pp. 285-313
- Moore, M., 2007, How does taxation affect the quality of governance, IDS Working Paper 280, Brighton, UK.
- Ojede, A., & Yamarik, S. (2012). Tax policy and state economic growth: The long-run and short-run of it. *Economics Letters*, 116(2), 161-165. <https://doi.org/10.1016/j.econlet.2012.02.023>.
- Pessino, C. and R. Fenochietto, 2010, Determining Countries' Tax Effort, *Hacienda Pública Española/Revista de Economía Pública*, Vol. 195, No. 4, pp. 65–87.
- Stoilova, D. (2017). Tax structure and economic growth: Evidence from the European Union. *Contaduría y Administración*, 62(3), 1041-1057. <https://doi.org/10.1016/j.cya.2017.04.006>.
- Thomas, A., and J. Treviño, 2013, Resource Dependence and Fiscal Effort in Sub-Saharan Africa, IMF Working Paper 13/188 Washing
- Working Paper 12/257, (Washington: International Monetary Fund).
- Yang, Z. (2016). Tax reform, fiscal decentralization, and regional economic growth: New evidence from China. *Economic Modelling*, 59, 520-528. <https://doi.org/10.1016/j.econmod.2016.07.020>.

فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی

[Downloaded from qjfeq.ir on 2026-08-11]

[DOR: 20.1001.1.23453435.1399.8.32.2.4]

[DOI: 10.52547/qjfeq.8.32.133]